**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و پنجم\_ 4 اسفند 1399**

**[افتراق در ناحیۀ دوم]**

بحث در توضیح فرمایش شیخنا الاستاد دامت برکاته بود، در مورد 5 ناحیۀ اختلاف، بین التزاحم و التعارض.

ناحیۀ اول که افتراق از حیث حقیقت و ماهیت ای دو بود، بیان شد.

اما ناحیۀ دوم، ایشان تعبیر می­کنند به افتراق در موضوع، با این توضیح، **اما فی الموضوع فبأنّ تقدیمَ احد المتعارضین علی الآخر یستلزمُ رفع الید عن الحکم مع بقاء موضوعه، فانّ ترجیح الموافق باطلاق الکتاب علی الآخر المخالف له نفیٌ لحکم المرجوح مع وجود موضوعه و اما فی المتزاحمین فرفع الید عن أحدهما لترجیح الآخر علیه، لا یستلزم ذلک**.

تعبیر ایشان به این است که اگر شما دو روایت داشتید متعارض بودند، "صل صلاة الجمعه"، "لا تصل صلاة الجمعه". یکی از این دو روایت موافق قرآن کریم بود، دیگری مخالف قرآن کریم بود. مثلاً روایت دالّ بر وجوب جمعه بگوییم موافق با قرآن است و روایت دال بر حرمت جمعه، بگوییم مخالف قرآن است، ترجیح می دهیم روایت موافق کتاب کریم را بر روایت مخالف، در این جا دست از حکمی که در روایت دال بر حرمت جمعه بود، بر می داریم، معَ بقاء موضوعه، امّا در متزاحمین مثل "انقذ هذا الغریق"، "انقذ هذا الغریق"، یکی از این دو غریق پیغمبر بود که أهمیت داشت نجات او، ترجیح دادم نجات این پیغمبر را، این جا رفع الید معَ بقاء الموضوع نیست، رفع الید عن الحکم مع بقاء الموضوع نیست، بلکه رفع الید عن الحکم است لانتفاء موضوعه. چون دیگر شرط قدرت بر امتثال دیگری ندارم، و گفتیم شرط فعلیت حکم، تحقق موضوع است، مع تمام قیوده، و شروطه، و از آن جمله قدرت فینتفی الحکم بانتفاء موضوعه.

به عبارت دیگر در توضیح فرمایش شیخنا الاستاد، ثمرۀ معالجۀ در باب تعارض یا ثمرۀ معالجۀ در باب تزاحم، متفاوت است، ثمرۀ علاج فی باب التزاحم انتفاء الحکم است بإنتفاء موضوعه، و ثمرۀ معالجه در باب تعارض، ارتفاع الحکم است عن موضوعه، در باب تعارض، اگر یک روایت بر وجوب فعلی دلالت داشت، روایت دیگر بر حرمت آن فعل دلالت داشت، و یکی از این دو بر دیگری ترجیح داشت، آن را مقدم کردیم، ثمرۀ این معالجه ارتفاعُ الحکم فی المرجوح است، عن موضوعه، نه ارتفاع الحکم فی المرجوح بانتفاع موضوعه.

در حالی که در باب تزاحم وقتی مرجحات باب تزاحم را پیاده کردم قدرت را صرف امتثال یکی از دو واجب کردم، یتحقق العجزء عن امتثال الآخر و این یعنی انتفاء موضوع مع قیده که قدرت باشد، و با انتفاء موضوع در یکی، حکم خود به خود در آن منتفی خواهد بود، در تعارض، نمی توانیم از انتفاء الحکم بانتفاء الموضوع سخنی بگوییم، در حالی که در تزاحم آن­چه که هست بعد از ترجیح، انتفاء الحکم بانتفاء الموضوع است.

این هم توضیح بیشتری با توجه به آن­چه در تقریرات حضرت آقای سیستانی بود که ما آن را به عنوان بیان دیگر و توضیح نسبت به فرمایش شیخنا الاستاد عرض کردیم.

اگر بنده بخواهم این فرقی را که استاد بزرگوار ما در ناحیۀ موضوع بین تعارض و تزاحم قرار داده­اند، به بیان خودم عرض کنم این­گونه­ عرض خواهم کرد که شما همواره، در متزاحمین پس از آن­که با تطبیق یک مرجح یکی را انتخاب کردید، و در صورت تساوی هم که تخییر بود، یکی را انتخاب کردید، انتخاب تو یکی از متزاحمین را، و انجام دادن آن همان، و دیگر موقعیتی برای انجام دیگری نماندن همان. علامت باب تزاحم این است که اگر تو یکی را برگزیدی، انجام دادی، دیگر ناتوان از انجام دیگری خواهی بود. موضوعی برای دیگری نخواهد ماند، اگر دیدم الف را انجام می دهم، باز جا دارد که باء را انجام دهم، بدانم الف و باء متزاحمین نیستند وقتی الف و باء متزاحمین هستند که هر کدام را که انجام دهیم، از انجام دیگری عاجز بمانیم، اگر دیدیم باز جای انجام دیگری هست، بین الالف و الباء دیگر تزاحم نخواهد بود.

اما در تعارض ثبوتاً مانعی ندارد که من الف را انجام بدهم، در اثر ترجیح الف بر باء، و باء را مرجوح بدانم و در عین حال موضوع باء باقی باشد، چون بین الف و باء تزاحم نیست که با انجام الف باء کلا منتفی شود بموضوعه. بله در باء حکم باء از روی باء برداشته می شود، اما برداشته شدن حکم امری است با بقاء موضوع و برداشته شدن حکم به انتفاء موضوع بحث دیگری است،

هذا تبیین مراد شیخنا الاستاد در ناحیۀ فرق دوم بین تعارض و تزاحم

**[افتراق در ناحیه سوم]**

اما فرق سوم، در ناحیۀ مبدأ است، در تعارض نمی شود هم وجوب جمعه مصلحت ملزمه داشته باشد، هم حرمت جمعه حاکی از مفسدۀ ملزمه باشد، اختلاف تعارض و تزاحم از ناحیۀ مبدأ این است، مبدأ یعنی ملاکات، چون حکم از ملاک شروع می­شود بهش می­گویند مبداء . اختلاف تعارض وتزاحم من حیث المبداء و الملاک این است که در تعارض معقول نیست هم وجوب ملاک داشته باشد، هم حرمت، می شود اجتماع ضدین، چنان که در تعارض معقول نیست هم وجوب ملاک داشته باشد، هم عدم الوجوب که این می شود طلب اجتماع نقیضین.

**بخلاف التزاحم، اذ یوجد الملاکات فی کل من الفعلین**، هم "صل" ملاک تام و تمام و مصلحت ملزمه دارد، هم "ازل النجاسة" آن­چه ممکن نیست، اجتماع این دو حکم است، فی مرحلة الفعلیة و الّا در مرحلۀ ملاک درگیری نیست.

توضیح بیشتر این فرق سوم بین تعارض و تزاحم این است که شما برای حکم دلائلی را بیان کرده اید، -1.مرحلۀ اقتضاء که همان مرحلۀ ملاک است، 2. مرحلۀ جعل، 3. مرحلۀ فعلیت 4. مرحلۀ تنجر،- فرق بین تنافی تعارضی با تنافی تزاحمی این است که در ناحیۀ مبدأ یعنی ملاکات متزاحمین درگیری ندارند درگیری آنها مربوط است به مقام فعلیت در حالی که در متعارضین درگیری از همان مرحلۀ ملاک شروع می شود.

**[افتراق در ناحیۀ چهارم]**

اختلاف چهارم بین تعارض وتزاحم. به تعبیر ایشان در ناحیۀ منتهی. حال که تعارض شد، چه باید گفت، حال که تزاحم شد چه باید گفت، وظیفۀ اولیه عند تحقق التعارض، تساقط است نمی شود هم خبر واحدی که گفت نماز جمعه واجب است حجت باشد، هم خبر واحدی که گفت نماز جمعه حرام است، حجت باشد. قطعا ادلۀ حجیت خبر واحد هر دو را نمی­گیرد، چون معنایش تعبد بالضدین است، یا اگر روایتی گفت نماز جمعه واجب است، روایتی گفت نماز جمعه واجب نیست، نمی شود هر دو حجت باشند چون حجت بودن هر دو یعنی انکه به من دستور بدهد جمع بین نقیضین کنم و اگر هم بگوید بدون اعمال ترجیح یکی را بر دیگری مقدم کن، می شود ترجیح بلا مرجح، لذا اگر در باب تعارض سخن از تخییر به میان می­آید خلاف اصل اولی در باب تعراض است، چون اصل اولی در باب تعارض تساقط است. **بخلاف التزاحم فانّ الاصل الاولی عدم التساقط**. چون هر دو تکلیف مرحلۀ جعل را گذرانده­اند. منتهی چون من یک قدرت دارم در این جا باید یکی را انتخاب کنم، ضرورت دارد، از بین این دو یکی را ترک کنم، نیایم هر دو را ترک کنم، چون الضرورات تتقدر بقدرها، هر دو را ترک نکنم. این که در ناحیۀ منتهی وظیفۀ اولیه در تعارض تساقط است، و این مطلب در متزاحمین نیست، فرق چهارم این دو است.

**[افتراق در ناحیۀ پنجم]**

و اما فرق پنجم این دو در ناحیۀ مرجحات است، که خواهد آمد ان شاء الله مرجحات باب تعارض با مرجحات باب تزاحم متفاوت است، این توضیح کامل فرمایش استاد در این زمینه، که گفتیم این در حقیقت تقریب اول از رأی ثانی بود بنابر تعبیر حضرت آقای سیستانی. حال خود این آقای سیستانی به این تعبیرات که مؤسسش محقق نائینی است اشکالاتی دارد ان شاء الله فردا.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .